



روند تکاملی و تحولات آموزش کشاورزی از گذشته تا کنون (مورد مطالعه: مقطع کارشناسی در ایران)

رها زارعی^۱

چکیده

نقش عامل انسانی در فرایند توسعه، به‌ویژه توسعه کشاورزی موثرتر و پرنرگ تر از گذشته مشهود است و همواره مورد تاکید متخصصین و علمای فن قرار گرفته است. در واقع ارتباط مستقیم و مثبت بین آموزش و توسعه نیازی به استدلال ندارد. همچنین آموزش عالی کشاورزی به طور اخص، یکی از پایه‌های اصلی توسعه کشاورزی هر کشور می باشد. زیرا برای تامین توسعه پایدار کشاورزی، باید رشد کیفی نیروی انسانی در این بخش مورد توجه قرار گیرد. در این راستا مطالعه و تجزیه و تحلیل روند آموزش عالی کشاورزی از گذشته تا زمان حال در کشور، حائز اهمیت می باشد. زیرا با این رویکرد می توان به چالش ها و تنگناهای آموزشی پی برد و برای اصلاح و بهبود آن ها اقدام نمود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی سیر تحول و تکامل آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی طراحی و تدوین شد و از روش کیفی برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده گردید. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که برنامه ریزی برای آموزش عالی کشاورزی همواره روندی پیچیده و زمانبر بوده است و تا کنون نواقص و مشکلات مختلف، کیفیت آموزشی آن را خدشه دار کرده است. لذا به منظور دستیابی به کیفیتی مناسب لازم است برنامه‌ریزی آموزشی بگونه ای طرح ریزی شود که تمامی عناصر و مسائل مربوط به جامعه و از جمله جامعه روستایی و کشاورزی با هم مدنظر قرار گرفته و همچنین برنامه‌های توسعه کشور در افق آینده نیز در نظر گرفته شود و بعلاوه مسئولین امر در کلیه سطوح از وزارت علوم گرفته تا پایین‌ترین سطوح دانشگاه‌ها از جزئی نگری و منفعت طلبی شخصی و گروهی بپرهیزند و ارتقای کیفیت آموزش عالی کشاورزی را مدنظر قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: آموزش کشاورزی، مقطع کارشناسی، توسعه کشاورزی

^۱ دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز



مقدمه

بی شک توسعه کشاورزی هر کشوری وابسته به سیاستها، برنامه ها و نظام آموزش کشاورزی آن نظام است (بهرامی و زمانی، ۱۳۸۰). در واقع ارتباط مستقیم و مثبت بین آموزش و توسعه نیازی به استدلال ندارد، چرا که درستی و صحت آن را علمای آموزش و صاحب نظران توسعه مورد تایید قرار داده اند. این ارتباط چنان است که تقویت و گسترش هر یک موجب پیشرفت دیگری می شود (زمانی پور، ۱۳۸۶). همچنین منابع انسانی از مهمترین عوامل موثر در توسعه هر جامعه می باشند و دانشگاهها و نهادهای آموزشی به عنوان متولیان امر آموزش، نقش مهمی را در توسعه نیروی انسانی ایفا می کنند. دانشگاهها در جوامع از یک سو به عنوان حافظ انتقال دهنده میراث فرهنگی و ارزش های حاکم بر جامعه و از سوی دیگر پاسخگوی نیازهای اجتماعی مردم برای کسب، اشاعه و توسعه دانش و تکنولوژی ها مطرح می باشند و وظیفه آنان تشخیص و ارائه راه حل برای مشکلات اجتماعی است. در واقع دانشگاه یکی از با ارزش ترین نهادهایی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد لذا، تامین نیروی انسانی متخصص به عنوان مهمترین عامل توسعه در هر کشور از رسالت های نظام آموزش عالی است (زمانی، ۱۳۸۱).

همچنین آموزش عالی کشاورزی به طور اخص، یکی از پایه های اصلی توسعه کشاورزی هر کشور می باشد، بنابر این برای تامین توسعه پایدار، باید رشد کیفی نیروی انسانی مورد توجه قرار گیرد (صفا و همکاران، ۱۳۸۷). آموزش عالی تنها یک سرمایه گذاری در منابع انسانی نیست، بلکه آموزش عالی این امکان را به افراد می دهد تا مهارتهایی کسب کنند که رفتار، عقاید و نقش آنها را در جامعه شکل دهد. در بحث از سیاست گذاری و برنامه ریزی نیز آموزش عالی همواره به عنوان مهمترین و سازنده ترین نهاد اجتماعی تلقی می شود که باید بتواند موجب افزایش بار دانش در افراد شود، دانش حاصله منجر به نوعی فعالیت مولد شده، موجب افزایش نقش افراد در اجتماع گردد، به اعتلای خلاقیت آنها در جامعه بیانجامد و به طور کلی توسعه همه جانبه دانش آموختگان را به همراه داشته باشد. این تاثیرات گسترده آموزش عالی بر زندگی افراد سبب شده است که امروزه رقابت شدیدی بین دانش آموختگان آموزش عالی برای ورود به بازار کار و موفقیت در جامعه بوجود آید، بطوری که دانش آموختگان علاوه بر کسب نظری تخصصی نیاز به داشتن مجموعه ای از توانایی ها و صلاحیت ها برای موفقیت در زندگی کاری و اجتماعی را در خود احساس کنند. در چنین شرایطی سوال این است که آموزش عالی کشاورزی چه تاثیری بر زندگی دانش آموختگان داشته است؟ این تاثیرات چه هستند و یا به چه شکل و در چه زمینه هایی باید باشند؟ آیا دانش آموختگان کشاورزی توانسته اند توانایی هایی را که در دانشگاه کسب نمایند، جهت رشد و توسعه خود در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی به کار گیرند؟ (حجازی و مشهدی، ۱۳۸۶). بعلاوه آموزش عالی در مقطع کارشناسی، رسالت خطیری را به عهده دارد. چنانکه فلسفه وجودی و دلایل ضرورت دوره کارشناسی در نظام آموزش عالی کشاورزی را می توان به موارد زیر تقسیم بندی نمود:

- به منظور بهره برداری از منابع کشاورزی با بکارگیری دانش روز و با توجه به شرایط حاکم بر کشاورزی کشور.
- تربیت تکنسین کشاورزی نمی تواند به تنهایی جوابگوی نیازهای اطلاعاتی و علمی بخش کشاورزی در قسمت اجرایی باشد، بنابر این لازم است افرادی با مدرک کارشناسی، تربیت شوند.
- برای جهت دادن به توسعه، استقلال و بوجود آوردن امنیت غذایی در بخش کشاورزی.
- مقطع کارشناسی، پایه و مقدمه ای است برای دوره کارشناسی ارشد و دکتری.
- به دلیل نیاز به کارشناسانی که واجد توانایی مدیریت واحدهای تولیدی بوده و در آن بخش ها اشتغال ورزند.
- به دلیل نیاز واحدهای آموزشی، خصوصی و خدماتی کشاورزی به کارشناس کشاورزی.
- به دلیل نیاز به کارشناسانی که فعالیت های کشاورزی را از لحاظ عملی بر عهده بگیرند.
- به دلیل نیاز به کارشناسانی که به عنوان مروج کشاورزی، پدیده های نوین و نتایج کار پژوهشگران را به اطلاع تولیدکنندگان رسانده و متقابلاً مشکلات تولیدکنندگان را به پژوهشگران منعکس نمایند.
- به دلیل کامل شدن هرم شغلی و اجتناب از ایجاد خلاء بین مقطع کاردانی و کارشناسی ارشد.
- به دلیل عدم تمایل دانش آموختگان بالاتر از کارشناسی جهت کارهای عملی در روستاها.
- مقطع کارشناسی، زمینه ای است برای ارائه اطلاعات پایه در زمینه کشاورزی به تمام دانشجویان کشاورزی.



- به دلیل نیاز به کارشناسانی با مبانی تئوریک قوی برای حل مسائل تئوریک، تحلیل های کلان و برنامه ریزی.
- به دلیل عدم کارایی لازم در دانش آموختگان فوق دیپلم جهت عملکرد صحیح در جریان فعالیت های کشاورزی.
- مقطع کارشناسی جوابگوی افرادی است که با هدف اخذ مدرک کارشناسی وارد دانشگاه می شوند (مقدس فریمانی و زمانی، ۱۳۸۶).
لذا، با توجه به اهمیت دوره کارشناسی کشاورزی در توسعه و پیشرفت جامعه، لازم است سیر تغییر و تحولات ارائه اینگونه آموزشها مورد مطالعه و کنکاش قرار گیرد تا کاستی ها و نارسایی ها و نقاط قوت و ظرفیت ها بیش از پیش مشخص گشته و آینده روشن تری در رابطه با ارائه آموزش کشاورزی در سطح کارشناسی ترسیم گردد، لذا هدف اساسی این پژوهش، بررسی سیر تحول و تکامل آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی از گذشته تا کنون می باشد تا بر اساس یافته های آن بتوان راهکارهای مناسبی را برای ارتقاء وضعیت آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی در کشور اندیشید.

روش شناسی

این پژوهش، از نوع کیفی است و اطلاعات مورد نیاز پژوهش در چند مرحله جمع آوری و تدوین شده است. در مرحله اول جهت جمع آوری اطلاعات از روش تحقیق مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و مصاحبه با کارشناسان بهره گرفته شد و در زمینه تاریخچه و وضعیت موجود آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی اطلاعات لازم و منطبق با هدف پژوهش گردآوری شد. در مرحله دوم، یافته های حاصل از مرحله اول در یک گروه خبره^۲ چهار نفره در بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز در چند جلسه ارائه و بحث و تبادل نظر پیرامون یافته ها و اطلاعات گردآوری شده انجام گرفت (تحلیل در گروه خبره). در مرحله سوم با توجه به نواقصی که در مرحله دوم در گروه خبره در مورد یافته های پژوهش، تشخیص داده شده بود، اصلاحات لازم صورت گرفت و موارد پیشنهادی لازم به پژوهش، اضافه گردید.

یافته ها و بحث

لازم به ذکر است که یافته های این پژوهش به دو بخش تقسیم بندی شده است. بخش اول سیر تغییر و تحولات آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی از زمان تاسیس دانشکده های کشاورزی تا زمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی ایران را شامل می شود و بخش دوم پژوهش، پس برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی تا کنون را تشکیل می دهد. در بخش دوم پژوهش، به دلیل دارا بودن تعدد و تنوع تغییر و تحولات در نظام آموزش کشاورزی، تعداد ۹ معیار مهم آموزشی گزینش شدند (شکل ۱) و بحث راجع به این ۹ معیار آورده شده است.

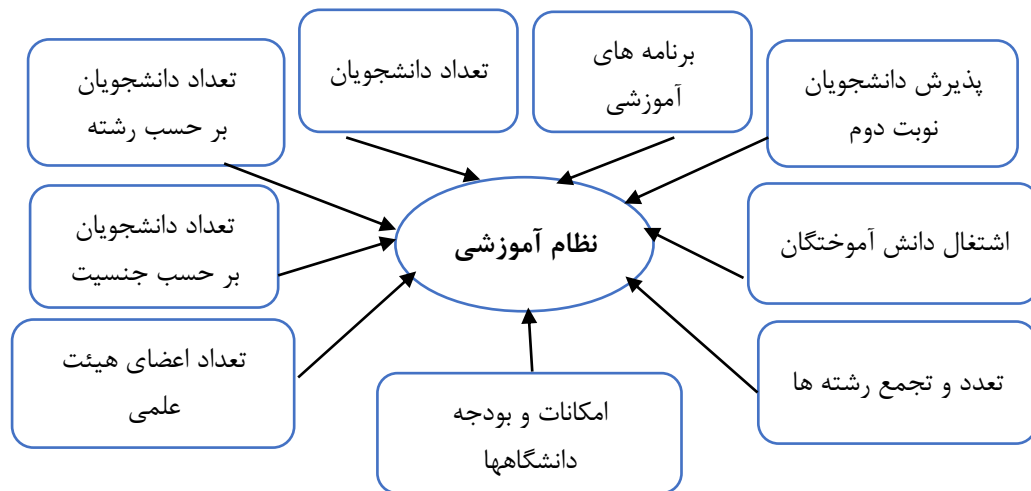
- بخش اول یافته ها

این بخش از پژوهش، سیر تغییر و تحولات آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی از زمان تاسیس دانشکده های کشاورزی تا زمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی ایران را شامل می شود. در ادامه به این مباحث پرداخته می شود.

اولین دانشکده کشاورزی در ایران بدین شکل تاسیس شد که مدرسه عالی فلاح در سال ۱۳۱۹ به دانشکده کشاورزی تبدیل شد و مدیریت آن بر عهده وزارت کشاورزی محول گردید. در سال ۱۳۲۱ کفایت این دانشکده به مهندس مجید عدل واگذار شد و کلاسهای تخصصی آبیاری، زراعت و جنگل برای دانشجویان دانشکده کشاورزی دایر گردید و شورای عالی فرهنگ در آذر ماه همان سال ارزش مهندسی را برای کارشناسان کشاورزی تصویب کرد. این امر اولین قدم در شناسایی کارایی دانش آموختگان کشاورزی و تطبیق آن بر اساس معیارهای عنوانی بود. شاید بتوان ادعا کرد که از همین مرحله استفاده از مواهب اجتماعی عنوان مهندسی به تدریج جای کارایی ها و مهارتهای علمی را گرفت و اشتیاق به پشت میز نشینی و انجام امور تخصصی در اداره، جایگزین فعالیتهای بنیادی و تماس

با زارعین در مزارع شد. کیفیت آموزش در دانشکده کشاورزی بعد از سالهای جنگ جهانی دوم یعنی حدود سال ۱۳۲۴ چندان رضایت بخش نبود و

عملاً اثرات سالهای جنگ، به صورت اضطراب و دلهره حاصل از نابسامانی اوضاع در امور مختلف از جمله کشاورزی ایجاد خلل کرد و نیز عدم انجام تشکیلات مملکتی باعث شد فعالیتهای آموزشی مربوط به روند عادی خود باز نگردد و به علت تعویض مکرر اساتید و روسای وقت دانشکده برنامه صحیح و مرتبی نیز ارائه نشود. این وضع هیئت وزیران وقت را برانگیخت تا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ طی تصویب نامه‌ای دانشکده کشاورزی را از وزارت کشاورزی منتزع کند و به دانشگاه تهران ملحق سازد. الحاق دانشکده کشاورزی به دانشگاه تهران اقدامی شایسته و مفید تلقی شد. خصوصاً از جهت تکمیل برنامه‌های آموزشی و نیز تامین کادر آموزشی مورد نیاز و به خصوص برقراری نظم معینی در روندهای تعلیماتی و تحقیقاتی اهمیت داشت. اما با خارج شدن مدیریت دانشکده کشاورزی از اختیار وزارت کشاورزی جنبه عملی کار کشاورزی و ارتباط با واقعیات محیط روستایی در این دانشکده به تدریج تضعیف شد و از سوی دیگر با الحاق آن به دانشگاه تهران آموزشهای نظری و تخصصی و به ویژه آموزش برای کسب مدرک مهندسی و کسب شخصیت اجتماعی و استفاده از مواهب استخدامی آن براساس فلسفه محسوس و موجود در دانشگاه تقویت گردید. اما نمی‌توان منکر بالا رفتن کیفیت آموزشهای علمی دانشکده کشاورزی در نتیجه این الحاق شد. همزمان با الحاق دانشکده کشاورزی به دانشگاه تهران دبیرستان کشاورزی موجود در دانشکده منحل گردید و دانشجویان این دانشکده مجبور بودند از صافی آزمون همگانی دانشگاه بگذرند و با معیارهای گزینش دانشجو تطبیق یابند و از طریق دانشگاه به دانشکده کشاورزی معرفی شوند (ملک محمدی، ۱۳۷۷).



شکل ۱- معیارهای مهم آموزشی در نظام آموزش کشاورزی در ایران (مقطع کارشناسی)

همچنین در گذشته تا سال ۱۳۳۶ دوره تحصیلات کارشناسی مهندسی کشاورزی سه سال بود و کلیه دانشجویان در یک رشته کشاورزی عمومی تحصیل می‌کردند و دروس عملی و نظری برای تمام دانشجویان یکسان و اجباری بود. در سال ۱۳۳۶ دوره تحصیلات به ۴ سال افزایش یافت. دانشجویان در سال اول و دوم دروس عمومی و پایه را طی می‌کردند و در سال سوم و چهارم در یکی از ۸ رشته زراعت، ارگونومی، باغبانی، آبیاری، عمران روستایی، جنگل، ماشین‌های کشاورزی و دفع آفات نباتی تحصیل می‌کردند و گواهی فوق لیسانس اخذ می‌نمودند (سوانسون، ۱۳۷۰).

بعلاوه به مرور زمان پس از تاسیس دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵، دانشکده های کشاورزی یکی پس از دیگری تاسیس شدند. به عنوان مثال دانشکده های کشاورزی شیراز، تبریز و اهواز در سال ۱۳۳۴ و دانشکده کشاورزی ارومیه در سال ۱۳۴۴



تاسیس گردید. در اغلب دانشکده های کشاورزی در اوائل شروع فعالیت، رشته عمومی کشاورزی دائر شد ولی پس از زمان کوتاهی رشته های تخصصی از قبیل آب و خاک یا مهندسی زراعی ایجاد گردید.

سپس نظام آموزشی دانشکده در سال ۱۳۴۲ عملاً به نظام واحدی تغییر یافت (سیستم آمریکایی). تا قبل از این زمان، نظام آموزش سالانه در دانشکده ها وجود داشت (ملک محمدی، ۱۳۷۷). در سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ قرار شد بررسی دامنه داری برای تدوین برنامه آموزشی جدید آغاز گردد. با توجه به مسائل کشاورزی کشور و نیاز مملکت به نیروی انسانی در بخشهای مختلف تولیدی کشاورزی، برنامه مزبور به طریقی طرح شد که دانشجویان در سه سال اول بتوانند اطلاعات عمومی کشاورزی را کسب کنند و در سال چهارم با انتخاب یکی از رشته های ده گانه باغبانی، کشاورزی عمومی، اقتصاد کشاورزی، خاک شناسی، گیاه شناسی، جنگل و مرتع، آبیاری و آبادانی، ماشینهای کشاورزی، صنایع روستای و دامپروری به تحصیل ادامه دهند (شهبازی، ۱۳۷۰). اما بعدها مجدداً رشته های کشاورزی تعدد پیدا کرد تا اینکه در آبان ماه ۱۳۵۳ به منظور بررسی برنامه های آموزش عالی کشاورزی، تعریف خطوط اصلی آموزش در هر یک از رشته های آموزشی، نزدیکتر ساختن برنامه های آموزشی با نیازهای فعلی و آتی کشور و منطبق ساختن برنامه های آموزشی با شرایط اقلیمی مناطق مختلف این سرزمین، کمیته های تخصصی با مشارکت دانشگاهها و صاحبان نظران در امر کشاورزی در وزارت علوم و آموزش عالی تشکیل گردید. از جمله نارساییهای موجود در برنامه تحصیلی که در این کمیته ها مورد تایید قرار گرفت، بی توجهی نسبت به هدف اصلی کشاورزی یعنی افزایش تولید و به جای آن تاکید روی علوم نظری و تخصص گرایی در سطح دوره کارشناسی بود که همین امر باعث تعدد رشته های موجود شده بود. لذا با توجه به مطالعات انجام شده، کمیته مزبور پیشنهاداتی را در زمینه آموزش کشاورزی تنظیم کرد. از متن گزارشها و فعالیت های کمیته مذکور بر می آید که به جای هفده رشته تحصیلی در سطح کارشناسی کشاورزی فقط شش رشته آموزشی منظور گردید و برخی از رشته های مشابه در یکدیگر ادغام شدند. این شش رشته عبارت بودند از: تولیدات گیاهی، عمران روستایی، تولیدات حیوانی، اقتصاد و مدیریت کشاورزی، منابع طبیعی و ترویج و آموزش کشاورزی (سوانسون، ۱۳۷۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس طرح نظام آموزش عالی کشاورزی که به وسیله گروه کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی تنظیم گردید، رشته های تحصیلی در پنج رشته عمومی علوم زراعی، علوم دامی، صنایع کشاورزی، مهندسی زراعی و منابع طبیعی ادغام شدند و رشته ترویج و آموزش کشاورزی و سایر رشته ها با وجود نیاز مبرم به آنها، به عنوان رشته مستقل آموزشی در نظر گرفته نشد اما رشته ترویج و آموزش کشاورزی به صورت یک درس عمومی برای کلیه دانشجویان رشته های آموزشی کشاورزی (به غیر از رشته منابع طبیعی) الزامی گردید (همان).

آنچه در مورد برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی اهمیت داشت منقطع بودن مقاطع تحصیلی می باشد. به عنوان مثال شرایط پذیرش دانشجو در دانشکده های کشاورزی علاوه بر موفقیت در امتحان ورودی، شامل داشتن گواهینامه پایان تحصیلات آموزشکده کشاورزی و انجام حداقل ۱/۵ سال کار در یکی از زمینه های کشاورزی پس از اتمام دوره آموزشکده بود. مزایای این نوع برنامه ریزی این بود که افرادی وارد دانشکده های کشاورزی می شدند که واقعاً علاقمند ادامه تحصیل بودند و بعد از حدود ۱/۵ سال تجربه کار کشاورزی همچنان مشتاق ادامه تحصیل بودند. همچنین یکی دیگر از مزایای این نوع برنامه ریزی این بود که باعث می شد دانشجویان قبل از ورود به دانشکده، تجربه کار کشاورزی داشته باشند که این تجربه را هم از آموزشکده های کشاورزی و هم از ۱/۵ سال کار در زمینه کشاورزی به همراه داشتند و با شناخت و آگاهی کافی از کشاورزی، وارد سطوح تخصصی تر می شدند. همچنین عده زیادی نیز در همان حوزه فعالیت های کشاورزی ماندگار می شدند و ادامه تحصیل نمی دادند و از آموخته هایی که در آموزشکده ها کسب کرده بودند به صورت عملی در راستای خدمت به بخش کشاورزی بهره می بردند.



پیرابند ۱- سیر تحولات آموزش کشاورزی در دانشگاهها از بدو تاسیس تا تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در ایران

- ۱- تبدیل مدرسه عالی فلاحت به دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۱۹
- ۲- تصویب ارزش مهندسی برای کارشناسان کشاورزی توسط شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۲۱
- ۳- تصویب الحاق دانشکده کشاورزی به دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۴ توسط هیئت وزیران وقت و راه پیدا کردن دانشجویان به دانشگاه از طریق آزمون همگانی دانشگاه.
- ۴- افزایش دوره تحصیلات به ۴ سال در دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۳۶
- ۵- تاسیس دانشکده های کشاورزی به مرور زمان در کشور از سال ۱۳۲۵ به بعد و بوجود آمدن تنوع در رشته های کشاورزی.
- ۶- تبدیل نظام آموزشی دانشگاهی از نظام سالانه به نظام واحدی در سال ۱۳۴۲.
- ۷- تدوین برنامه در سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ برای تحصیل دانشجویان بگونه ای که در سه سال اول اطلاعات عمومی کشاورزی را بگذرانند و در سال چهارم، انتخاب رشته تخصصی نمایند.
- ۸- تقلیل رشته های کشاورزی از ۱۷ رشته به ۶ رشته در سال ۱۳۵۳.
- ۹- انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها.
- ۱۰- ادغام رشته های کشاورزی و بوجود آمدن ۵ رشته تحصیلی توسط ستاد انقلاب فرهنگی
- ۱۱- تدوین برنامه به منظور منقطع شدن مقاطع تحصیلی کشاورزی توسط ستاد انقلاب فرهنگی

- نکات حائز اهمیت در خصوص روند تاسیس و فعالیت دانشکده های کشاورزی

با مرور چگونگی تاسیس و فعالیت دانشکده های کشاورزی در ایران، نکات مهمی قابل درک است که در ادامه به آنها اشاره می شود:

- اساتید دانشگاه هیچ گونه ارتباطی با محیط کشاورزی ایران نداشتند و یا اینکه حداقل ارتباط بین جامعه و دانشگاه وجود داشت و نتیجه اینکه به صورت عملی یافته های علمی تولید شده در دانشگاهها دردی را از جوامع روستایی و کشاورزی ایران دوا نمی کرد و در نتیجه کشاورزان اعتماد چندانی به دانشکده های کشاورزی نداشتند.
- در دانشکده های کشاورزی ایران از همان ابتدا عدم همکاری بین بخش های تحقیقات، آموزش و ترویج به صورت بارزی مشاهده می شد و باعث ناکارآمدی هر کدام از این سه بخش می شد.
- دانشکده های کشاورزی ایران از حمایت های جامعه محلی برخوردار نبوده و همچنین تشکیلات و نحوه مدیریت آن از ابتدا مشخص و یکنواخت نبوده است. به عنوان مثال دانشکده کشاورزی تهران مدتی زیر نظر وزارت کشاورزی بوده، سپس تحت نظر دانشگاه تهران در آمده و همچنین در سالهایی به صورت مکرر روسا و اساتید دانشکده کشاورزی تعویض می شدند که این موارد مسلماً بر سیستم آموزشی اثر گذار بوده و در برنامه ها اختلال ایجاد می کرد.



در ایران اغلب دانشجویان اطلاع چندانی از کشاورزی نداشتند و اکثر آنها نسبت به این امر بیگانه بودند و به خصوص از زمانیکه ارزش مهندسی برای کارشناسان کشاورزی تصویب شد (سال ۱۳۲۱) بسیاری از افراد به شوق اخذ مدرک مهندسی و کسب موقعیت اجتماعی مطلوب، وارد دانشکده های کشاورزی شدند و اغلب این افراد تمایل داشتند که پس از اتمام تحصیلات به کارهای اداری بپردازند و اشتیاق و انگیزه ای به کارهای عملی کشاورزی و فعالیت در محیط های روستایی نداشتند و در نتیجه، بخش روستایی کشور از وجود کارشناسان کشاورزی بی بهره ماند.

تنوع یا ادغام رشته های کشاورزی با برنامه ریزی اصولی و سیستمی و بنا بر نیاز جامعه انجام نمی شد و در طول زمان، رشته هایی بوجود آمده و سپس ادغام می شدند.

بخش دوم یافته ها

به دلیل تحولات گسترده علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی در روند جهانی شدن ضرورت توجه و ارتقاء آموزش عالی به طور اخص پیش از پیش زمینه دست یابی به توسعه پایدار را ایجاد می کند. به منظور طرح مساله لازم است نگاهی به وضعیت فعلی جامعه ایران داشته باشیم (کارنما، ۱۳۸۶). بنابر این در این بخش، سیر تغییر و تحولات آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی از دوره پس از برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی سال ۱۳۵۸ تا زمان حال (سال ۱۳۹۳) آورده شده است و مواردی که مورد اهمیت می باشد و لازم است مورد بررسی بیشتر قرار گیرند، به تفکیک ذکر شده است.

تعداد دانشجویان

آموزش عالی ایران با دو پدیده مهم در دوران بعد از انقلاب اسلامی مواجه شده است. اول عقب ماندگی تاریخی در توسعه کمی آموزش عالی ایران و دیگری رشد جمعیت که باعث افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاهها شد. البته عوامل دیگری از جمله زمینه های فرهنگی جامعه و ضعف بازار کار برای دارندگان مدرک دیپلم نیز نقش مهمی در افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی را ایفا کرده اند. مجموعه این عوامل موجب شد تا سیاست توسعه کمی آموزش عالی در راس برنامه های وزارت علوم و دانشگاهها قرار گیرد. نتیجه اینکه جمعیت دانشجویی کشور از حدود یکصد و پنجاه هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به حدود سه و نیم میلیون نفر در سال ۱۳۸۶ بالغ شد. همینطور جمعیت دانشجویی کشور از ۱/۱۸۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۶ با ۱۰۳ درصد رشد به ۲/۴۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۴ رسید. همچنین ضریب پوشش آموزش عالی در کل جمعیت از رقم ۲ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۴، و در جمعیت ۲۴-۱۸ ساله از ۱۴/۷ به ۱۹/۵ درصد در همان فاصله زمانی افزایش یافت (توفیقی داریان، ۱۳۸۸).

در کل، عوامل بسیاری را برای رشد تقاضای آموزش عالی می توان نام برد، که مهمترین آنها، سرعت رشد جمعیت و ترکیب سنی جوان در سالهای پس از انقلاب اسلامی، افزایش انتظارات جامعه برای دستیابی به خدمات آموزش عالی، عدم برنامه ریزی مناسب برای ایجاد اشتغال افراد دیپلمه و شرایط خاص ناشی از جنگ تحمیلی و گرایش به تعویق انداختن سربازی از سوی داوطلبان پسر و سیاستهای سهمیه بندی بوده اند (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶).

همزمان با رشد سریع جمعیت دانشجویی کشور، جمعیت دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی نیز از این امر مستثنا نبوده و به سرعت افزایش یافتند. نشانگر رشد کمی کل پذیرفته شدگان رشته های کشاورزی و منابع طبیعی گویای آن است که از سال ۸۱-۸۰ تا ۸۵-۸۴ تعداد کل پذیرفته شدگان روزانه با ۸۴ درصد رشد از ۱۲/۲۰۸ به ۲۲/۵۶۵ نفر رسید (زمانی و همکاران، ۱۳۸۷).

اما در چندین سال اخیر جمعیت ایران، همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دنبال کاهش مداوم و مستمر باروری و افزایش امید به زندگی، تغییرات اساسی و مهمی را در ساختار سنی خود تجربه می کند که این تغییرات دارای ملاحظات اقتصادی، اجتماعی مهمی از نظر سیاست گذاری اقتصادی و اجتماعی است. طی دهه اخیر، جمعیت واقع در سنین زیر ۱۵ سال رو به کاهش گذاشته و در مقابل تعداد جمعیت جوان و در سن کار رو به افزایش نهاده است. همچنین سرعت سالخوردگی جمعیت با آهنگی آرام رو به افزایش است (معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). بنابر این جمعیت متقاضیان ورود به دانشگاهها به شدت در حال کاهش بوده و از طرفی دیگر تعدد رشته های دانشگاهی و موسسات آموزش عالی نیز به صورت چشم گیری قابل ملاحظه می باشد. بنابر این همواره در کشور شاهد افت تعداد دانشجویان در بسیاری از دانشگاهها بوده ایم. تا جاییکه بسیاری از موسسات آموزش عالی با



صندلی خالی مواجه بوده اند. این وضعیت از حدود سالهای ۱۳۸۸ به بعد بسیار بارز بوده و به خصوص در رشته های کشاورزی وضعیت حادثتری دارد. زیرا از آنجا که یک دید منفی نسبت به بازار کار رشته های کشاورزی در جامعه وجود دارد و در عمل نیز بسیاری از دانش آموختگان رشته های کشاورزی بیکار می باشند و از سویی دیگر ورود به دیگر رشته های دانشگاهی نسبت به گذشته به دلیل افزایش تنوع موسسات آموزشی عالی و کاهش نرخ جمعیت، بسیار راحت تر شده است، بسیاری از متقاضیان ورود به دانشگاهها ترجیح می دهند در رشته های دیگری بجز کشاورزی، به تحصیل مشغول شوند.

- تعداد دانشجویان بر حسب رشته

در ایران اکثریت افراد، رشته های کشاورزی را به نام رشته هایی مثل زراعت و اصلاح نباتات و یا گیاهپزشکی می شناسند و تمایلشان برای ورود به این رشته ها نسبت به سایر رشته های کشاورزی بیشتر می باشد. زیرا اکثراً اعتقاد دارند این رشته ها دارای موقعیت اجتماعی بالاتری می باشند. همچنین بسیاری از مراکز و موسسات آموزش عالی در گروههای کشاورزی خود، نسبت به تاسیس رشته های زراعت و اصلاح نباتات و یا گیاه پزشکی اقدام کرده اند، زیرا همانگونه که اشاره شد، تمایل بیشتر افراد برای ورود به اینگونه رشته ها است، لذا در طول زمان، بیشترین تعداد دانشجویان علوم کشاورزی در رشته های زراعت و اصلاح نباتات و گیاه پزشکی تحصیل می کنند. بنابراین با توجه به تعدد این گروه ها، وضعیت یافتن شغل در این رشته ها نیز مشکلتر از سایر رشته ها می باشد.

- تعداد دانشجویان بر حسب جنسیت

از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، به تدریج زنان توانستند به آموزش عالی راه یابند، اما تنها در رشته های خاصی می توانستند تحصیل کنند. دامنه این حضور به تدریج گسترش یافت به طوری که امروزه در اغلب کشورهای جهان زنان به آموزش عالی دسترسی دارند و حضوری قوی تر از مردان دارند. در کشورهایی چون ایالات متحده، آرژانتین، اروگوئه و ایران، نسبت دختران در کل، بیشتر از پسران شده است. به دلایل متعددی چون نیازهای نظام اقتصادی، فعالیت های جنبش زنان، تمایلات مکتبی و یا توسعه محور بودن دولت ها و نیز فشارها و تسهیلات بین المللی حضور زنان در عرصه آموزش عالی، چه به عنوان دانشجو و چه به عنوان هیئت علمی، توسعه فزاینده ای یافته است. در ایران از ۱۳۸۰-۱۳۷۰ نرخ رشد جمعیت زنان دانشگاهی بیش از ۲۵٪ افزایش داشته است (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶). در دوره کارشناسی در طی ده سال ۸۵-۱۳۷۵ مشاهده می شود که در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ تعداد پذیرفته شدگان مرد بیشتر از زنان، در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تقریباً نزدیک به هم و از سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ تعداد زنان پذیرفته شده به طور فزاینده ای نسبت به مردان افزایش داشته است.

مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶) طی مطالعه ای که انجام داده است، مهمترین عوامل موثر در افزایش دانشجویان دختر نسبت را به ترتیب اهمیت، موارد زیر نام برده است:

رتبه ۱- اهمیت بدست آوردن پول و درآمدزایی بیشتر مشاغل آزاد نسبت به دیگر مشاغل که برای پسران انگیزه بیشتری ایجاد می کند؛

رتبه ۲- رقابت و چشم و هم چشمی های خانواده ها؛

رتبه ۳- کاهش انگیزه پسران به تحصیلات دانشگاهی به دلیل بی توجهی به بازار کار در بخش دولتی به تخصص واقعی؛

رتبه ۴- میزان اهمیتی که جامعه برای تحصیلات دانشگاهی قائل است؛

رتبه ۵- عدم محدودیت برای دختران در شرکت در کنکور به دفعات مختلف به دلیل عدم وجود خدمت سربازی برای آنها.

در مورد رشته های کشاورزی نیز به غیر از یک دوره کوتاه پس از انقلاب اسلامی که در تعدادی از دانشگاهها از جمله دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، تنها نسبت به پذیرش دانشجویان پسر اقدام شد، به مرور زمان تعداد دانشجویان دختر افزایش یافتند (زمانی و همکاران، ۱۳۸۷).

- تعداد اعضای هیئت علمی



همزمان با افزایش تعداد دانشجویان، تعداد کل اعضای هیات علمی تمام وقت نیز از حدود ۲۷/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۶ با رشد ۷۰ درصد به ۴۶/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۴ رسیده است. در همین فاصله زمانی شاخص دانشجو به استاد در کل از ۴۴ به ۵۲ افزایش یافته است که نشان دهنده بالاتر بودن شیب افزایش دانشجو نسبت به شیب افزایش هیات علمی است.

در پایان سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاههای تابعه وزارت علوم ۲۰ هزار نفر بود که ۸۳ درصد آنها استادیار به بالا بودند و با در نظر گرفتن رشد کمی پذیرش دانشجو در سال های اخیر، نسبت استاد به دانشجو در دانشگاهها یک به سی و سه است و این در حالی است که در حکم برنامه پنجم باید این نسبت ۱ به ۱۸ باشد. در حال حاضر نسبت استاد به دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی نیز ۱ به ۵۳ است که تنها ۳۳ درصد آنها استادیار به بالا هستند و برای رسیدن به نسبت ۱ به ۴۰ قانون برنامه باید ۱۰ هزار عضو هیئت علمی دیگر در دانشگاه آزاد اسلامی جذب شود. به طور کلی ۶۸ هزار عضو هیئت علمی در دانشگاههای کشور عهده دار امر پژوهش، آموزش و کارآفرینی هستند که برای رسیدن به وضعیت کیفی مناسب و اقتصاد دانش بنیان باید آنها را به بیش از ۱۰۰ هزار نفر عضو هیئت علمی افزایش داده شود، هرچند که برای رسیدن به اقتصاد دانش بنیان نسبت استاد به دانشجو تنها یکی از شاخص هاست (توفیقی داریان، ۱۳۸۸). اما با توجه به روند کاهش تعداد دانشجویان به خصوص در رشته های کشاورزی، انتظار می رود این روند در مورد تعداد اعضای هیئت علمی رشته های کشاورزی نیز صورت پذیرد و تعداد آنها نسبت به تعداد اعضای هیئت علمی سایر رشته ها، افت آشکاری را داشته باشد.

– مراکز آموزشی

همزمان با افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاهها و افزایش تعداد دانشجویان، موسسات ارائه کننده آموزش عالی به شدت افزایش یافته و متنوع شده اند. هم اکنون موسسات ارائه کننده آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی با عناوین آموزشکده، پژوهشکده، دانشکده، دانشگاه و سایر موسسات آموزش عالی در قالب دانشگاه پیام نور، دستگاههای اجرایی، مراکز آموزش عالی مستقل، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری و دانشگاه جامع علمی کاربردی مشغول فعالیت می باشند. هر یک از این موسسات در چند سال گذشته، به طور چشمگیری به توسعه و از جمله تاسیس رشته های جدید مبادرت کرده اند و در مجموع بیشترین تعداد موسسه ها و رشته های آموزشی در گروه کشاورزی و منابع طبیعی مربوط به وزارت علوم می باشد. وزارت علوم در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ دارای بیشترین عنوان رشته در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی بوده است.

– پذیرش دانشجوی شبانه (نوبت دوم)

دانشگاه علوم پزشکی تهران اولین دانشگاهی بود که اولین دوره شبانه را پایه گذاری کرد و کم کم دانشگاه های دیگر هم داوطلب شدند و دوره شبانه خودشان را داخل دانشگاه راه اندازی کردند. بر اساس سیاست وزارت علوم، هر ساله تعدادی دانشجو به عنوان دانشجویان نوبت دوم (شبانه) پذیرفته می شوند و این روند طی سالهای اخیر روندی صعودی داشته است. از مهمترین دلایل تشکیل دوره های شبانه، ایجاد درآمدزایی برای دانشگاهها بوده است. اما بسیاری از روسای دانشگاهها بیان کرده اند که علی رغم نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مبنی بر درآمدزایی دوره های شبانه از منظر دانشگاهها پذیرفتن دانشجو در این دوره ها اصلاً به صرفه نیست. زیرا برای دانشگاه دانشجویان شبانه چندان تفاوتی با دانشجوی روزانه نداشته و تقریباً از نظر حق و حقوق و شرایط برقراری کلاسها و امکانات رفاهی همانند دانشجوی روزانه است. به دلیل هزینه هایی که دانشجویان شبانه برای دانشگاه در بردارد و همچنین عدم پرداخت تسهیلات از سوی وزارت علوم برای نوبت دوم وضعیت این سیستم آموزشی ناکارآمد شده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳). علاوه بر این به دلیل کاهش جمعیت متقاضیان ورود به دانشگاهها در چندین سال گذشته و افزایش تعدد رشته ها و موسسات ارائه دهنده آموزش عالی، این امکان برای بسیاری از متقاضیان ورود به دانشگاهها فراهم شده است تا در سایر رشته های روزانه پذیرفته شوند و لذا تعداد دانشجویان شبانه کاهش یابد. این امر نیز بنا بر دلایلی که پیشتر ذکر گردید، در رشته های کشاورزی چشم گیرتر می باشد.

– وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی

چالش بزرگی که فرا روی آموزش عالی است و بر سیاست های ارتقای کیفیت تاثیر مستقیم دارد موضوع اشتغال دانش آموختگان دانشگاههاست. از یک طرف، ظرفیت های پایین اقتصاد کشور برای ایجاد شغل و ضعف حمایتی از کارآفرینی و از طرف دیگر ضعف انطباق رشته های دانشگاهی با نیازهای صنعت و ضعف آموزش ها و مهارت های کارآفرینی دانشجویان، موجب بروز مشکلاتی در اشتغال دانش آموختگان شده است. بدیهی است که ضعف یک چشم انداز روشن در بازار کار، مستقیماً بر روی انگیزه تحصیلی دانشجویان تاثیر



گذاشته و کیفیت یادگیری را تحت تاثیر قرار خواهد داد (توفیقی داریان، ۱۳۸۸). همچنین شواهد آماری نشان می دهند که وضعیت بیکاری در بین دانش آموختگان دانشگاهی در رشته های کشاورزی بسیار زیاد است. متخصص هایی که می توانستند با ورود به این بخش و کار و تلاش در بخش کشاورزی باعث پیشرفت، توسعه و خودکفایی در این بخش شوند، اکثراً یا در این بخش نتوانستند مشغول به کار شوند و بیکار مانده اند یا به اشتغال در بخش های دیگر و شغل های کاذب روی آورده اند. آماری بیکاری دانش آموختگان رشته های کشاورزی بر اساس آخرین آمار، ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۸ گزارش شده است که نسبت به سایر رشته ها بالاترین میزان را دارد (رفیعی طالقانی، ۱۳۸۸). توسعه کمی و نامتوازن آموزش عالی در کشور از یک سو و فقدان ظرفیت های مناسب برای جذب دانش آموختگان دانشگاهی از سوی دیگر باعث شده تا فرصت های تشکیل سرمایه انسانی، ارتقای بهره وری و افزایش رشد اقتصادی به تهدیدهای بحران زا و چالش برانگیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از بیکاری دانش آموختگان تبدیل شوند (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). در جدول ۱ مهمترین علل معضل بیکاری دانش آموختگان کشاورزی آورده شده است.

جدول ۱- علل بیکاری دانش آموختگان کشاورزی

علل بیکاری دانش آموختگان	محققان
ظرفیت های پایین اقتصاد کشور برای ایجاد شغل و فقدان ظرفیت های مناسب برای جذب دانش آموختگان دانشگاهی	توفیقی داریان، ۱۳۸۸؛ موحدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ استواری ۱۳۸۲؛ زمانی و لاری، ۱۳۸۳؛
ضعف حمایتی از کارآفرینی؛ ضعف آموزش ها و مهارت های کارآفرینی دانشجویان	توفیقی داریان، ۱۳۸۸
ضعف انطباق رشته و سر فصل های های دانشگاهی با نیازهای بازار کار	توفیقی داریان، ۱۳۸۸؛ زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵؛ شجاعی، ۱۳۸۸؛ موحدی، ۱۳۸۳
ضعف کیفیت آموزش	استواری ۱۳۸۲؛ زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵
زیادتی تعداد دانش آموختگان کشاورزی	زمانی و لاری، ۱۳۸۳
نداشتن سرمایه کافی	زمانی و لاری، ۱۳۸۳
ویژگی های دانش آموختگان (مانند عدم اعتماد به نفس)	زمانی و لاری، ۱۳۸۳

تعدد و تجمیع رشته های کشاورزی

در طی دهه های گذشته، به تدریج تعدد رشته های کشاورزی در مقطع کارشناسی افزایش یافت و تخصصی تر شد مراکز آموزش عالی در سال ۸۷-۸۶ ده رشته آموزشی، در سال ۸۸-۸۷ نوزده رشته آموزشی و در سال ۸۹-۸۸ سی و دو رشته، در سال ۹۰-۸۹ چهل و سه رشته آموزشی دارا بوده اند، لذا در سالهای مختلف تعداد رشته های آموزشی دارای روند صعودی بوده اند. ۲۰ رشته در سال تحصیلی ۸۷-۸۶، ۲۴ رشته در سال ۸۸-۸۷، ۲۳ رشته در سال ۸۹-۸۸ و ۲۷ رشته در سال ۹۰-۸۹ توسط وزارت آموزش و پرورش ارائه شده است. وزارت علوم نیز در طی چهار سال، به ترتیب ۱۲۷، ۱۶۷، ۲۱۳ و ۱۵۶ عنوان رشته متفاوت را ارائه کرده است که در سال ۸۹-۸۸ دارای بیشترین عنوان رشته در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی بوده است (زمانی و همکاران، ۱۳۸۷) و بنا به گفته محمدرضا نقوی مسئول برنامه ریزی گروه کشاورزی و منابع طبیعی وزارت علوم هم اکنون بیش از رشته یا گرایش در زمینه کشاورزی در دانشگاه های کشور وجود دارد که با توجه به سهم ۷ درصدی دانشجویان این رشته ها از جمعیت دانشجویی کشور، تعداد رشته ها و گرایشها فوق العاده زیاد است. با توجه به همپوشانی زیاد این رشته ها کار بازنگری آنها طی دو سال گذشته آغاز شده که در نتیجه ۱۴۰ رشته و گرایش در مقطع کارشناسی به ۲۲ تا ۲۴ رشته کاهش یافته است. همچنین وی یادآور شد بر اثر بازنگری صورت گرفته، حداقل ۴۰ درصد از محتوای دروسهای مقطع کارشناسی تغییر پیدا کرده و در برخی رشته ها این تغییرات حتی به ۹۰ درصد هم رسیده است. این برنامه راهبردی بر اساس رصد و بررسی وضعیت موجود رشته های کشاورزی در ایران و تعدادی از دانشگاه های مطرح دنیا و آمریکا و اروپا و آسیا تهیه شده و در کنار آن راهکارهایی برای کاربردی کردن رشته ها و بازنگری آنها با تاکید بر تجمیع رشته ها ارائه شده است. همچنین او تاکید کرد که بیشتر دانشجویان رشته های کشاورزی کشور در دانشگاه آزاد درس می خوانند و دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، پیام نور و جامع علمی کاربردی در رده های بعدی می باشند.



- امکانات و بودجه دانشگاهها

امروزه اکثریت مراکز آموزش عالی در کشور، از کمبود بودجه بشدت گلایه دارند. در حالی که بودجه نظام آموزش عالی، رقمی کمتر از دو درصد کل بودجه کشور را شامل می شود، اما به دلیل تخصیص نیافتن همین اعتبارات ناکافی، بسیاری از دانشجویان و استادان از وضع فعلی ناراضی هستند. کاهش بودجه های عمرانی و آموزشی دانشگاه ها، تحقق نقشه جامع علمی کشور را هم با چالش جدی مواجه کرده است و این روزها بسیاری از کارشناسان آموزشی از خود می پرسند که چگونه می توان با وجود این حجم از اعتبارات تا سال ۱۴۰۴ در مقام نخست علمی منطقه خاورمیانه قرار گرفت؟

یکی از عمده انتقادهای کارشناسان آموزش عالی، انبوه طرح های عمرانی نیمه کاره در وزارت علوم است؛ در واقع نظر کارشناسان این است که چرا با وجود آن که بودجه های هنگفتی برای کلنگ زنی طرح های عمرانی دانشگاه ها صرف می شود، اما بسیاری از این طرح ها تا سال ها نیمه کاره می ماند و به این ترتیب وقت و بودجه آموزش عالی صرف پروژه هایی می شود که کاربری دیر هنگام دارند. تعداد دانشگاه هایی که با مشکل کمبود بودجه روبه رو هستند، کم نمی باشد و آمار دانشگاه هایی که با بحران کمبود اعتبارات روبه رو هستند، شامل اغلب مراکز آموزش عالی کشور می شود.

همچنین آموزش کشاورزی در کلیه سطوح به خصوص سطوح دانشگاهی، به دلیل نیاز به امکانات و وسایل مختلف، بسیار هزینه بر می باشد. تا جاییکه در تمامی کشورهای دنیا یکی از پرخرج ترین رشته های دانشگاهی است. لذا عدم بودجه رسانی مناسب و به موقع به مراکز ارائه دهنده آموزش عالی کشاورزی و عدم تامین وسایل و امکانات مورد نیاز آنها، کیفیت خدمات آموزشی را به شدت خدشه دار می نماید.

- برنامه های آموزشی

با توجه به تخصص گرایی شدید رشته های کشاورزی، دروس این رشته ها نیز بیش از حد تخصصی شده و بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که با تخصصی شدن دروس کشاورزی، دانش آموختگان کشاورزی دیدگاه لازم نسبت به کل سیستم کشاورزی و توان مدیریت و برنامه ریزی واحدهای کشاورزی را ندارند و به صورت جزئی و خرد به سیستم پیچیده کشاورزی می نگرند. همچنین با اینکه در موسسات آموزشی همواره به تاکید بیشتر بر دروس عملی و عملی کردن بعضی از دروس شعار داده می شود اما همواره تمایل به بحث های نظری و نظری کردن دروس عملی است که این مورد نیز از کیفیت آموزش های کشاورزی به شدت می کاهد. بعلاوه با توجه به گرایش سیاست های کشور به کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان، در بخش های خصوصی و تعاونی، متأسفانه برنامه و تدابیر مناسبی در این ارتباط در برنامه های آموزشی دانشگاهها گنجانده نشده و دانشجویان در دوره تحصیل در دانشگاه برای این فعالیت ها توانمند نشده و قابلیت های کارآفرینی و اشتغالزایی لازم را بدست نمی آورند. البته در چند سال اخیر نگرش مسئولین آموزشی کشور و دانشگاهها نسبت به ارائه فعالیت های آموزشی در راستای آموزش کارآفرینی تغییر پیدا کرده و فعالیت هایی در این راستا صورت گرفته است (به عنوان مثال ارائه درسی به نام کارآفرینی کشاورزی). ولی به نظر می رسد بایستی نسبت به این امر دقت و توجه بیشتری مبذول گردد. زیرا مسلماً امروزه یکی از توانمندی هایی که بایستی در دانشجویان به خصوص دانشجویان رشته های کشاورزی ایجاد و تقویت شود توانمندی و قابلیت های کارآفرینی و اشتغالزایی است.

- ناکارآمدی و نواقص آموزش عالی در حیطه کشاورزی و منابع طبیعی (پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی تا کنون)

با توجه به مباحثی که در مورد وضعیت آموزش عالی در مقطع کارشناسی در دوره زمانی بعد از برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی تا کنون مطرح شد، ناکارآمدی ها و نواقصی در کارکرد و سیاست های آموزش عالی مشاهده می گردد که به صورت خلاصه عبارتند از:

- عدم برنامه ریزی مناسب برای جذب دانشجو و اینکه پذیرش دانشجو از برنامه ای منطقی، روندی ثابت و پاسخگو به بازار کار تبعیت نمی کند. متأسفانه یکی از معضلات آموزش عالی کشورمان از ابتدا تا کنون، عدم برنامه ریزی مناسب برای تعیین ظرفیت دانشگاهها مطابق با نیازهای کشور بوده است و در نتیجه در سالهای اخیر شاهد این بودیم که بیش از ظرفیت و نیاز کشور، افراد وارد دانشگاهها



شده اند و موجب پیامدهای ناگواری مانند عدم اشتغال و بیکاری دانش آموختگان دانشگاهها شده است. این مسئله بخصوص برای رشته های کشاورزی و منابع طبیعی حادتر بوده و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، بدون یک برنامه دقیق و حساب شده اقدام به پذیرش دانشجو در رشته های کشاورزی کرده اند که در نتیجه تعداد زیادی از دانش آموختگان کشاورزی، دچار معضل بیکاری شده اند.

- عدم برنامه ریزی مناسب برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی به صورتیکه در سالهای اخیر، افزایش مراکز و موسسات آموزش عالی بر اساس برنامه مشخص و نظام مندی استوار نبوده است و به صورت غیر منطقی و بیش از حد در سطح کشور، تاسیس شده اند تا جایکه امروزه با صندلی خالی در مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور مواجه می باشیم.

- تعدد بیش از حد رشته های کشاورزی و وجود آمدن گرایش های متعدد کشاورزی که متناسب با نیازها و بازار کار کشور نمی باشد.

- عدم وجود قابلیت های کارآفرینی لازم در دانش آموختگان کشاورزی.

- کمبود بودجه و امکانات دانشگاهها.

- ناکارآمدی دانشگاهها برای تربیت دانش آموختگان کشاورزی مطابق با خواست و نیاز جامعه روستایی و کشاورزی کشور.

نتیجه گیری و پیشنهادات

این پژوهش با هدف بررسی سیر تحول و تکامل آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی طراحی و تدوین شد. به صورت کلی با توجه به نتایج تحقیق می توان پی برد که برنامه ریزی برای آموزش عالی کشاورزی همواره روندی پیچیده و زمانبر بوده است و لازم است در خصوص کلیه مراحل آن برنامه ریزی دقیقی صورت پذیرد و در مورد تمامی فاکتورهای موثر در بهبود کیفیت ارائه اینگونه آموزشها تفکر شود و همینطور جهت برنامه ریزی های مفید بایستی با بهره گیری از دیدگاه سیستمی، مسائل مربوط به کل جامعه و از جمله جامعه روستایی و کشاورزی کشور را با هم نگریست و در این رابطه برنامه های توسعه کشور در افق آینده نیز در نظر گرفته شود. همچنینانتظار می رود مسئولین امر در کلیه سطوح از وزارت علوم گرفته تا پایین ترین سطوح دانشگاهها از جزئی نگری و منفعت طلبی شخصی و گروهی بپرهیزند و ارتقای کیفیت آموزش عالی کشاورزی را در نظر داشته باشند. همچنین در این راستا مطالعه وضعیت آموزش عالی کشاورزی سایر کشورها و استفاده از تجارب موفق آنها البته با در نظر گرفتن وضعیت کشورمان و بومی سازی آنها می تواند مفید واقع شود.

منابع

- بلوم، ا. (۱۳۸۲). تدریس و یادگیری در آموزش کشاورزی. ترجمه: سید محمود حسینی و شهرام مقدس فریمانی. تهران: انتشارات سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو).
- بهرامی، ف.، و زمانی، غ. (۱۳۸۰). آموزش عالی کشاورزی و راهکارها. مجله جهاد، سال ۲۱، شماره ۲۴۴ و ۲۴۵، ص ۳۲-۲۷.
- توفیقی داریان، ج. (۱۳۸۸). ضرورت ارتقای کیفیت در آموزش عالی ایران. نشریه صنعت و دانشگاه، سال ۲، شماره ۵ و ۶، ص ۱۰-۵.
- حجازی، ی.، و مشهدی، م. (۱۳۸۶). تاثیر آموزش عالی کشاورزی بر توسعه عمومی دانش آموختگان. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۱، ص ۴۲-۲۷.
- زمانی، غ.، و لاری، م.ب. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. جلد ۲، شماره ۲، ص ۴۲-۲۵.
- زمانی پور، ا. (۱۳۷۹). ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم.



- زمانی پور، ا. (۱۳۸۶). آموزش کشاورزی در ایران: آغازی اشتباه و انجمن بی سرانجام. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۳، شماره ۱، ص ۱۵۹-۱۴۳.
- زمانی، غ. (۱۳۸۱). کاربرد الگوی چگالی نسبت ها: در برآورد نیروی متخصص مورد نیاز بخش خصوصی کشاورزی.
- زمانی، غ. و همکاران. (۱۳۸۷). گزارش نهایی بررسی وضعیت علوم کشاورزی در کشور و ارائه پیشنهادهایی برای آینده. ارائه شده در سمینار نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران.
- سوانسون، ب. (۱۳۷۰). مرجع ترویج کشاورزی. ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاریان. تهران: انتشارات سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.
- صفا، ل.، ایروانی، ه. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۷). "تحلیل دیدگاه دانشجویان نسبت به مولفه های موثر در تبیین کیفیت آموزش کشاورزی" (پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران)، مجله کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۹۰-۸۳.
- کارنما، ا. (۱۳۸۶). بررسی آسیب شناختی وضعیت آموزش عالی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها. ارائه شده در سومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور.
- مرکز تحقیقات استراتژیک. (۱۳۸۶). مطالعه روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل موثر بر این روند.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- مقدس فریمانی، ش.، و زمانی، غ. (۱۳۸۶). رهیافت آموزشی گزیداری برای دوره کارشناسی کشاورزی. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۳، شماره ۱، ص ۲۶-۱۱.
- ملک محمدی، ا. (۱۳۷۷). سیر تکاملی ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی (جلد اول)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- موحدی، ر.، اکبری، ر.، یعقوبی فرانی، ا.، و خداوردیان، م. (۱۳۸۹). راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۳، شماره ۴، ص ۹۸-۸۵.